

بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات دوگانه توسعه بر هویت قومی (مطالعه به شیوه گراندد تئوری در شهرستان مهاباد)

حسن رشیدی^۱ * مصطفی ازکیا^۲ * منصور وثوقی^۳

چکیده

هستی اجتماعی جامعه ایرانی در اثر توسعه با دگرگونی‌های بنیادی روبرو شده و نظریات جامعه‌شناختی متعددی به تأثیرپذیری هویت از توسعه پرداخته‌اند که داده‌های این تحقیق نزدیکی بیشتری با اندیشه‌های پساتوسعه دارد. تحقیق حاضر در پی نیل به نظریه زمینه‌ای در ارتباط با تأثیرات توسعه بر هویت قومی است و نتایج داده‌های میدانی حاکی از پیامدهای دوگانه (تقویت - تضعیف) هویت قومی - کُردی^۴ در این ارتباط است. این تحقیق با استفاده از روش گراندد تئوری و با مصاحبه‌های عمیق و مشارکت‌های میدانی در بین ساکنان شهرستان مهاباد صورت گرفته است.

می‌توان گفت توسعه در لوای نوسازی و پروژه‌های اقتصادی- اجتماعی به‌صورت ناهمگون همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی را تغییر داده و این امر موجب ظهور ناموزون و نابرابر توسعه و بروز بحران‌هایی در اجزای هویت قومی (کُردی) شده است؛ به‌گونه‌ای که پدیده‌های دوگانه (تضعیف و تقویت هویت قومی) با توجه به علی، زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر در این ارتباط ایجاد شده و با راهبردها و پیامدهایی در هریک از حوزه‌های مذکور همراه بوده است. اکنون از سوپی

-
۱. دکترای جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی (hasanrashidi55@yahoo.com)
 ۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول) (Mostafa_Azkiya@yahoo.com)
 ۳. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (vosoooghi@ut.ac.ir)
 ۴. هویت قومی از انواع هویت جمعی و دارای سطحی پایین‌تر از هویت ملی است و «مجموعه خاصی از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد» (الطایبی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). در این تحقیق هر جا عبارت «قومی- کُردی» به کار رفته، منظور اطلاق این مضمون در ارتباط با کُردهای مورد مطالعه است.

تضعیف هویت قومی را در ابعاد مختلف در پی داشته و از سوی دیگر، به فراخور امکانات و ابزارهای جهانی شدن فرصت‌های نوینی برای هویت‌قومی - کُردی ایجاد شده است. در نهایت مقوله مرکزی تحقیق حول «بروز توسعه ناهمگون در حین بحران در هویت قومی (کُردی)» شکل گرفته و نظریه زمینه‌ای «توسعه نامتوازن، نابرابر و شکل نوین هویت‌قومی (کُردی)» بروز کرده است.

واژگان کلیدی: توسعه، شهرستان مهاباد، نظریه زمینه‌ای، هویت‌قومی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی ♦ سال ششم ♦ شماره بیست و چهارم ♦ پاییز ۹۶ ♦ صص ۲۹۰-۲۶۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۳/۱۷

مقدمه

تغییرات اجتماعی در ایران معاصر با برنامه‌ریزی متمرکز از جانب دولت‌ها، تحت عنوان توسعه اجتماعی - اقتصادی^۱ صورت گرفته و به‌خصوص از دوره پهلوی با جدیت بیشتری پیگیری شده است. امروزه نیز هم‌چنان در جریان است و عناصر توسعه (هر چند ناهمگن و ناموزون) با نام مدرنیزاسیون، با بهره‌رسانی از رسانه‌ها و شیوه‌های ارتباطی نوین، ارکان زندگی انسان‌ها را در بر گرفته است. این امر واجد تأثیر و تأثراتی با مشخصه‌های اجتماعی است و بر این اساس، توسعه اجتماعی - اقتصادی هم از هویت جمعی و در اینجا هویت‌گردی تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد و بدین گونه می‌توان گفت شاهد تغییرات هویتی متأثر از توسعه هستیم که موضوع بررسی این تحقیق کیفی است.

تحقیق کیفی اغلب تلاشی جهت توصیف غیر کمی حوادث و پدیده‌های اجتماعی است و سعی دارد تعبیر و تفسیر معانی انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی را ارائه نماید. مفاهیم اساسی اعتماد‌پذیری،^۲ باورپذیری،^۳ اطمینان‌پذیری،^۴ معیارهای ارزیابی تحقیقات کیفی هستند (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۲۰). گراند تئوری^۵ یکی از روش‌های کیفی انجام پژوهش برای تولید تئوری است که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده است و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود (Strauss & Corbin, 1998: 273)، که این تحقیق از این روش بهره‌جسته است و به پیگیری مفاهیم و مقوله‌سازی تا نیل به اشباع نظری به شیوه مصاحبه عمیق در بین همه اقشار ۲۰۱ روستا و ۵ منطقه شهری شهرستان مهاباد پرداخته است. استخراج مقوله‌های آغازین از مصاحبه‌های فردی و گروهی^۶ مشارکت‌کنندگان تحقیق^۷ و همچنین مقایسه و مراجعه مکرر

1. Socio-Economic Development
2. Trustworthiness
3. Credibility
4. Dependability
5. Grounded Theory
6. Focous Group

۷. مصاحبه‌ها با حدود ۲۰۰ مشارکت‌کننده (فردی و بحث گروهی) تا رسیدن به مرحله اشباع نظری (با احتساب بازنگری‌ها) صورت گرفته است.

به داده‌ها، شکل‌گیری دو حوزه جداگانه «تقویت هویت قومی» و «تضعیف هویت قومی» را در پی داشت که همچون تعاملات نیت‌مند کنشگران مورد مطالعه در قبال تغییرات منتج از توسعه بروز کرده‌است.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۱. ادبیات نظری موجود

این تحقیق بیشتر بر مبانی نظری اتکا دارد که سرمایه‌داری و نوسازی را واجد تولد و همزیستی تاریخی می‌داند و در روند آنها به تأثیرات ابعاد هویت سنتی - بومی نیز بی‌توجه نیست (Moles, 1999: 6). بر این اساس، هر چند عامل اساسی رشد سرمایه‌داری، مدرنیت و توسعه اجتماعی - اقتصادی در رویکرد نوسازی تکنولوژی است، اما این شاخص در امتداد سایر شاخص‌های دیگر عمل می‌کند (Alan: 1999: 1). در این ارتباط، نظریه‌پردازانی چون خوندکر^۱ (۲۰۰۵: ۱۱) و رودمتودوف^۲ (۲۰۰۳: ۳۷، ۲۰۰۵: ۱۱۳) معتقدند که در حقیقت جهان - محلی شدن معطوف به امکان همزیستی و دیالکتیک عناصر جهانی و محلی است که فرصت‌های فراوانی را در اختیار جوامع محلی در راستای بازسازی هویت سنتی‌شان بر اساس تلفیقی از عناصر جهانی و محلی قرار داده است. بر همین اساس، امروزه می‌توان از هویت‌های چند بُعدی به جای یک هویت واحد و منسجم سخن گفت (Robertson & Lechner, 1985: 103-105). بدین گونه، گرایش به رویکرد ترکیبی از سوی نظریه‌پردازانی چون فدرستون (۱۹۹۰: ۱۸ و ۱۹۹۵: ۱۵)، خوندکر (۲۰۰۴: ۲ و ۲۰۰۵: ۱۱) و رودمتودوف (۲۰۰۳: ۳۷ و ۲۰۰۵: ۱۱۳) در راستای ارائه رویکردی تلفیقی (از نقش عناصر محلی و جهانی) در تغییرات اجتماعی بیان شده و هم‌چنین است بازتولید کارکردهای بازاندیشی شده کنش‌ها در زندگی روزمره از نظر گیدنز (1993: 115-120 & 1990: 250-252). از نظر وی، زندگی اجتماعی مدرن با فرایندهایی از سازماندهی مجدد زمان و فضا مشخص می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸ الف: ۱۷) و هویت‌یابی در عصر جدید فراتر از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی متحقق می‌گردد^۳ (گیدنز، ۱۳۸۰) و ساخت‌های اجتماعی همزمان، هم بر کنش

1. Khondker

2. Roudometodof

۳. این مضمون در نظر گیدنز با مفهوم «بازاندیشی» نام برده شده که «فرآیند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روانشناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی است. حتی سنت‌ها هم در جهان مدرن بازاندیشی می‌شوند و دوباره در جریان زندگی فرد قرار می‌گیرند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶).

تأثیر می‌گذارند و هم نتیجه کنش انسانی هستند^۱ (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۹). همچنین بر اساس نظریات کاستلز، در عصر رسانه‌ها و گذار به جهانی شدن از طریق بازسازی زمان و مکان، نفوذپذیر کردن مزرها و توسعه شبکه‌های اجتماعی، منابع سنتی هویت‌سازی تضعیف شده است (Castells, 2011) و امروزه مردم خود را نه بر اساس اعمال بلکه بر اساس هویت‌شان سامان می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۹).

با توجه به بروز شکاف‌هایی در مبانی مدرنیستی اندیشه توسعه، پس از جنگ جهانی دوم،^۲ اندیشه‌های پسا ساختارگرایانه و پسامدرنیسم مطرح شد و گسترش یافت (Escobar, 1985, 1992, 1995; Ferguson, 1990; Kothari, 1988, 1995; O'Connor, M & Arnoux, R, 1994). که اغلب این اندیشه‌ها مدرنیسم و مکاتب آن را رد می‌کردند. علل حمله این اندیشه‌ها به توسعه و برنامه‌های آن از جانب اندیشه پساتوسعه این گونه بیان شده است: الف) جایگزین‌هایی برای توسعه لازم است؛ ب) برای نیل به توسعه باید به دانش محلی و بومی توجه شود؛ ج) موضع انتقادی نسبت به گفتمان مدرنیستی توسعه ایجاد شده است؛ د) موضع جنبش‌های مردمی کثرت‌گرا تقویت شده است (Escobar, 1995: 215). بدین گونه اندیشه پساتوسعه مدعی است اندیشه مدرنیستی توسعه به نیت مورد ادعایش دست نیافته و امروزه روشن شده که توسعه یک مفهوم خودسرانه است و ریشه در یک فراروایت دارد و منافع دست اندرکاران آن را برآورد می‌کند (Rapley, 2004: 350). به تعبیر دیگر، این رویکرد از طرف غرب تحمیل^۳ شده، در جهت همگن کردن فرهنگی^۴ است (Constantino, 1985) و به صورت دین جدید غرب درآمده است؛ به گونه‌ای که بنیادهای اقتصادی توسعه فرضی بسیار تقلیل‌گرایانه و از نتایج آن تخریب محیط زیست است. (Sachs, 1992 & rist, 1990) بر این اساس، برای مطالعه علمی یک پدیده اجتماعی، مراجعه همدلانه به جامعه و بررسی کنش اجتماعی در حالت زنده و پویای آن مطمع نظر این تحقیق است.

۱-۲. تحقیقات دیگران

هر چند درباره موضوع مورد مطالعه تحقیق دیگری صورت نگرفته است، اما محقق در این

۱. گیدنز این مضمون را تحت عنوان «دوگانگی ساخت» نظریه‌پردازی کرده است.

2. Post World War 2

3. Westernization

4. Homogenization

بخش به تحقیقاتی نزدیک (هم از نظر موضوعی و هم از نظر جامعه مورد مطالعه) می‌پردازد:

مطالعه محمدپور (۱۳۸۷)، با عنوان «درک و تفسیر بازاندیشی پیامدهای ورود نوسازی به اورامان» با روش گراند تئوری صورت گرفته است و در بخشی از مقولات هسته‌ای آن که تحت عناوین ارتقای معیشتی، رهایی، افزایش امید به زندگی، تسهیل بخشی است، تغییرات هر چند ساختارهای جدیدی به جامعه بخشیده است، اما همزمان بسیاری از ساختارهای سنتی را دچار افول کرده و چالش‌های زبانی، فرهنگی و تضعیف شبکه‌ها در پی داشته است.

محمدپور، صادقی، رضایی و پرتوی (۱۳۸۷)، با روش ترکیبی به «مطالعه تأثیرهای نوسازی بر نظام خانواده و خویشاوندی در دو سطح عینی - ساختاری و ذهنی - معنایی در میان ایلات منگور و گورک شهرستان مهاباد» پرداخته‌اند و بر بروز تغییرات و ایجاد بحران همچون: «خانواده در بین ایلات مذکور هم از نظر ساختاری و کارکردی و هم از نظر معنایی - تفسیری در معرض تغییرات نسبی بوده است»؛ «سه عنصر شهرنشینی، آموزش مدرن و رسانه‌های ارتباطی بر تضعیف ابعاد خانواده سنتی و پیدایش شکل مدرن آن مؤثر بوده‌اند» و «هنوز بخش عمده‌ای از ساختار خانواده و خویشاوندی در بین این دو اجتماع ایلی - سنتی مانده و در برابر تغییرات مقاومت می‌کند» اشاره دارند.

هراتی (۱۳۸۸) در تحقیق «تأملی در تأثیر توسعه بر هویت فرهنگی» استدلال کرده که توسعه با الگوی برون‌زا، به دلیل ناهمگونی ارزش‌ها و فرهنگ آن با هویت فرهنگی کشورهای واردکننده الگوی توسعه، چالش‌های هویتی را در فرآیند توسعه ایجاد و این چالش‌ها بستری را برای تبدیل شدن به بحران هویت فراهم کرده است.

رساله دکتری احمدرش (۱۳۹۱)، با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن (نوسازی) به کردستان؛ مورد مطالعه جامعه روستایی موکریان» با روش گراند تئوری در روستاهای موکریان انجام شده است. نتایج این تحقیق حاکی از وقوع تغییرات متعدد و متنوع «ذهنی - عینی» در «زیست - جهان» فرد گرد است. از زمینه‌ها و شرایط بارز مورد اشاره در آن «قرار گرفتن در نوار مرزی و مجاورت با دو کشور عراق و ترکیه»، «شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی خاص منطقه»، «باورها و ارزش‌های معنوی و مذهبی»، «ارتباط و پیوندهای اجتماعی» و «سبک زندگی» بوده است. از نتایج این پژوهش «ایجاد برخی سنت‌های امروزی و نوین» از یک طرف و «امروزی و نوین شدن برخی

سنت‌های قدیمی» از طرف دیگر است.

رساله دکتری عبدالهی (۱۳۹۲)، با عنوان «مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی جهان - محلی شدن و پیامدهای آن بر روی هویت قومی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ مطالعه موردی: منطقه‌ی هورامان تخت»، با نگرشی جامعه‌شناختی و به روش کیفی انجام شده و از موارد مورد بررسی: «روابط متقابل و روزافزون عناصر محلی و جهانی»، «مواجه شدن الگوهای فرهنگی و هویتی با چالش» و «ارزش‌های مورد تهدید، تبعیض و مقاومت توسط فرایند ملی و جهانی»، همچنین نتایج آن «بازاندیشی در هویت سنتی، درعین مشروعیت‌بخشی به رفتارهای بازاندیشانه»، «بازسازی صنایع محلی»، «بازپیکربندی سنت»، «هویت پیوندی» و همچنین «تأثیرپذیری مؤلفه‌های هویت قومی از ارزش‌های جهانی» است.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها^۱

توسعه، با اینکه خود دارای ماهیتی بسیار متنوع و با زمینه‌های متکثر است و در صدد است ارزش‌های والای انسانی همچون صلح، رفاه، عدالت، آزادی و خوشبختی را برای بشریت به ارمغان بیاورد، اما واقعیت اجتماعی - فرهنگی جوامع متفاوت و متکثر بوده و اجرای آن در فرهنگ‌های مختلف با اقتضائات و بایسته‌هایی در ارتباط با جامعه محلی پیوند می‌خورد. بدین‌گونه پروژه‌های توسعه که واجد تأثیراتی بر هویت قومی بوده، پیامدهای متفاوتی (دیگرگونه و بعضاً متضاد) در پی داشته است. یکی از مشارکت‌کنندگان این تحقیق چنین بیان کرده است: «امروزه به لحاظ درآمد و امکانات، وضعیت مردم به مراتب خوب‌تر شده است؛ اما این وضعیت در روحیات مردم تأثیر مثبت نداشته است. مردم دارای روحیه شادی نیستند. یکی از دلایل، عدم قناعت و طمع کاری است؛ به گونه‌ای که فرد هرچند به لحاظ مالی ثروتمند باشد، باز اظهار نداری می‌کند و از مشکلات می‌نالند» (مرد، روستا، لیسانس و روحانی، ۴۴ سال).

مشارکت‌کنندگان به دو نوع ناآگاهی اشاره کرده‌اند (از ماهیت توسعه و از

۱. پس از مطالعات میدانی و مصاحبه‌های اکتشافی و بحث و نظرهای صاحب‌نظران و مطلعین حوزه‌های مورد مطالعه در مشارکت‌های فردبه‌فرد و یا گروهی، مقوله‌های آغازین پدیدار شدند. سپس کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها و در نهایت تعداد مفاهیم ساخته شده در این مرحله انجام شد که شامل ۲۵۳ مفهوم، حدود ۸۰ مقوله جزء و ۱۱ مقوله عمده و تعداد ۲ حوزه شناسایی و استخراج و جمع‌بندی شده است.

شکل گیری تناسب هویتی با تغییرات) که هم مردم و هم عناصر مدرن ناکارآمد (ساختارهای آموزشی، خانوادگی و ...) آن را تداوم می بخشند. یکی از مهم ترین نهادهای تاریخی گُردستان، دین است که در دوره اخیر به عللی همچون به روز نبودن روحانیون در جامعه مورد مطالعه، برون دادهای تندروانه دینی را تقویت کرده است. شهروندی آن را اینگونه بیان کرده است: «با توجه به شرایط منطقه، فعالیت جریان های تندرو بیشتر شده و ظهور تکفیری ها را در پی داشته است» (زن، شهر مهاباد، دانشجو و خانه دار، ۳۵ ساله). بی شک، بسیاری از این مسائل به عاملان و مجریان توسعه برمی گردد و بیانگر عدم توانایی دست اندر کاران اجرایی طرح ها و پروژه های توسعه است که در این حوزه «عدم آگاهی و توانایی مجریان بر امکانات و مقدرات توسعه»؛ «اشکال ناقص توسعه»؛ «توسعه نابرابر»؛ «توسعه تقلیل یافته»؛ «توسعه یک جانبه» و... بروز کرده اند.

جدول ۱. تعداد مفاهیم، مقولات جزء و عمده به تفکیک ابعاد پنج گانه مورد مطالعه

ردیف	حوزه مورد مطالعه	تعداد مفاهیم استخراج شده	تعداد مقولات جزء استخراج شده	مقولات عمده ادغام شده
۱	سلطه هویت غربی بر عناصر هویت قومی	۱۹۰	۶۰	۷
۲	تقویت هویت قومی	۶۳	۲۰	۴
۳	جمع	۲۵۳	۸۰	۱۱

با توجه به ایجاب روش نظریه زمینه ای، کار مراجعه به میدان، انجام مصاحبه ها و تحلیل همزمان آنها تا آخرین مراحل تحقیق به طور مداوم و مستمر در جریان بوده و روند فوق تا نیل به اشباع نظری ادامه یافته است.

۲-۱. فرایند مفهوم سازی (کدگذاری باز)

مفهوم پردازی از داده ها، اولین قدم در تجزیه و تحلیل به شمار می رود که به مورد مشاهده ای، جمله ای، پاراگرافی اشاره دارد، به گونه ای که به هر کدام از حوادث، ایده ها یا رخدادها نامی می نهیم؛ برچسبی که یا نشانه آن پدیده است یا به جای آن می نشیند (استراوش و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۳). در واقع این حالت رفت و برگشت به میدان تا آخرین لحظه ها نیز ادامه داشت.

۲-۱-۱. تضعیف عناصر هویت قومی بر اثر سلطه هویت غربی

«غرب، عنوانی است دال بر یک حیات نفسانی واحد و یک فعالیت خلاقه خاص و مشخص با تمامی اندیشه‌ها، طرح‌ها، تأسیسات و نهادهای مربوط به آن» (هوسرل، ۱۳۸۲: ۶۳). آنچه محرز این است که «می‌توان مدعی شد در چهارصد سال اخیر همسان با توان و قدرت سیاسی غرب، توان و قدرت فرهنگی و علمی آن نیز از غرب جغرافیایی به شرق جغرافیایی عالم منتقل شده است» (داوری اردکانی، ۱۳۷۶: ۶). همانند سایر جوامع جهان‌سومی در جامعه مورد مطالعه نیز سلطه فرهنگی و تکنولوژیک در جریان است و این موضوع از طرف مشارکت‌کنندگان به صورت‌های مختلفی ابراز شده است. محمود، ۳۳ ساله، تحصیل کرده و شاغل در بخش خصوصی معتقد است: «در یک کلام کمرنگ شدن ارزش‌های بومی، هیچ‌انگاشته شدن ارزش‌های اجتماعی و نابودی خرده‌فرهنگ‌ها ماحصل غلبه فرهنگ غربی بوده است» و به نوعی اجماعی از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در این ارتباط وجود دارد. چنان که یک راننده تاکسی می‌گوید: «متأسفانه بدعت‌های بد شبکه‌های ماهواره‌ای، فرهنگ غنی این مرزوبوم، خصوصاً در مهاباد را زیر سؤال برده است و همه سنت‌های مان از مراسمات، خوراک، پوشاک و رفتارهای افراد جامعه ما شبیه یک انسان اروپایی شده است» (مرد، شهر مهاباد، فوق‌دیپلم، ۳۱ ساله). همچنین داده‌های فراوان دیگر مبین این نگرش است.

جدول ۲. نمونه‌هایی از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آنها در حوزه تضعیف عناصر هویت قومی بر اثر سلطه

هویت غربی

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه‌ها	مفاهیم	کد	مقولات خرد
۱	کمرنگ شدن ارزش‌های بومی، هیچ انگاشته شدن ارزش‌های اجتماعی و ناپودی خرده‌فرهنگ‌ها در فرهنگ غربی.	هویت به‌سمت جهانی شدن	۱	جهانی شدن هویت قومی
۲	در حقیقت دنیای مدرن مسائل را محدود کرده و همه را در زمام و اختیار خود قرار داده،... به نظر من زندگی نوین در حوزه فرهنگی در دنیای سنتی به وقوع می‌پیوندد و باید همه فرهنگ‌ها همدیگر را قبول کنند تا بتوانند با هم زندگی کنند.	از بین رفتن تکثرهای هویتی	۱	
۳	مدرنیزاسیون به دلیل نیاز به الگوهای جدید رفتاری، مسئله ادغام و تضعیف هویت‌های قومی را پیش می‌برد. در فرهنگ جدید، فضایل اخلاقی چون ریش سفیدی، رفت‌وآمد خویشاوندی و حتی پوشش و... جای خود را به مدل‌های بروز این حوزه‌ها می‌دهند.	غلبه دنیای مدرن	۲	بیگانگی از فرهنگ قومی
۴	... امروزه دیگر همه می‌دانند و فکر می‌کنند که از غربی‌ها و کشورهای پیشرفته کمترند و آنها نیز با دید تحقیرآمیز به ما نگاه می‌کنند. شما به این پناه‌جویان نگاه کنید.	تحقیر قومیتی	۲	
۵	در بحث پوشاک تأثیرگذار بوده است، اما به نظر من در مهاباد نسبت به برخی مناطق دیگر تأثر کمتری داشته است؛ اما در کل در نحوه پوشش مردم تأثیر منفی داشته است. اگر توجه کنیم، می‌بینیم که تعداد کمی از مردم دارای پوشش کُردی هستند.	کمرنگ شدن پوشاک کُردی اصیل	۳	غربی شدن سبک زندگی
۶	لباس کُردی از بین رفته است. امروزه ما به‌سختی در میان مردم لباس کُردی می‌بینیم. دلیل آن هم چشم‌وهم‌چشمی است... یعنی لباس کُردی تنها مختص برخی از مناسبات شده است. بسیاری از آن غذاهایی که در گذشته خورده می‌شدند، امروزه کنار نهاده شده‌اند؛ یعنی با ذائقه مردم امروزی هم‌خوانی ندارند. خیلی از حبوبات که بسیار مفید هم هستند نیز کاربرد خود را در مواد غذایی خانوارها از دست داده‌اند...	کمرنگ شدن پوشش و خوراک کُردی	۳	

ادامه جدول ۲. نمونه‌هایی از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آنها در حوزه تضعیف عناصر هویت قومی بر اثر سلطه

هویت غربی

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه‌ها	مفاهیم	کد	مقولات خرد
۷	به لحاظ مذهبی تعصبات بیشتر شده، اما تعصبات در خصوص مسائل فرهنگی سست شده‌است. بحرانی که به وجود آمده این است که پسران و دختران ما آشنایی زیادی با فرهنگ خودمان ندارند.	کمرنگ شدن تعصب فرهنگی	۴	ناآگاهی نسبت به هویت قومی
۸	امروزه تاریخ از یاد مردم رفته‌است. کمتر کسی به گذشته خود اهمیت می‌دهد.	ناآگاهی نسبت به تاریخ قومی	۴	
۹	در گذشته بزرگ‌مردانی در هر طایفه بودند که مسئولیت‌های بزرگی بر عهده داشتند و چه بسیار اختلافات و جنگ‌و دعواها را به صلح منتهی می‌کردند.	کم‌اهمیت شدن ریش‌سفیدان	۵	تغییرات در خانواده
۱۰	دیگر از هنرها و صنایع سنتی - کردی خبری نیست و مثلاً بافندگان، حصیربافان، سازندگان کلاش و مواردی از این دست از بین رفته‌اند.	کم‌شدن مشاغل بومی	۶	تضعیف اقتصاد قومی
۱۱	جامعه امروز به‌شدت به سمت بی‌باوری و بی‌اعتمادی و بی‌اخلاقی پیش می‌شود و معلوم نیست که در آینده چه عواقبی در انتظار فرزندان ما خواهد بود.	بی‌اعتمادی در فعالیت‌های اقتصادی	۷	
۱۲	اگر به زبان صدسال قبل کردستان برگردیم، معنای بسیاری از کلمات برای ما ناآشنا خواهند بود و چه بسا نتوانیم منظور یکدیگر را بفهمیم.	کمرنگ شدن زبان اصیل کردی	۸	تضعیف زبان قومی
۱۳	بیشتر کودکان و جوانان با زبان کردی بیگانه هستند و نمی‌توانند با این زبان بنویسند و حتی معلمان و بزرگترهای زیادی هم به این صورت وجود دارند.	عدم آگاهی به ادبیات کردی	۸	

می‌توان گفت «وقتی جامعه‌ای در مسیر توسعه قرار گیرد، انواع خاصی از دگرگونی‌های ارزشی - فرهنگی محتمل می‌شوند، دگرگونی‌هایی مانند کاهش میزان مولید، افزایش میزان امید به زندگی، افزایش مشارکت سیاسی توده‌ای، تضعیف ارزش‌های مذهبی و کم‌اهمیت شدن ارزش‌های سنتی» (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۳). و بر این اساس، زمینه تغییرات بنیادین افکار و افعال مهیا می‌شود و ارزش‌های نوینی بر جامعه مستولی می‌گردد. داده‌های این تحقیق بر تغییرات فرهنگی و عناصر هویتی انگشت می‌گذارد که در پروسه تغییرات اجتماعی - اقتصادی ایجاد شده‌است، به‌طور مثال: «اگر به زبان صد سال قبل کردستان

برگردیم، معنای بسیاری از کلمات برای ما نا آشنا خواهند بود و چه بسا نتوانیم منظور یکدیگر را بفهمیم» (مرد، شهرمهاباد، دیپلم و دامدار، ۴۳ ساله). مواردی از این دست مؤید توصیفات مکتب نوسازی در ادبیات توسعه است که به سه مکتب فکری در این باب اشاره می‌شود: «مکتب اول بر همگرایی ارزش‌ها در نتیجه نوسازی تأکید می‌کند؛ مکتب فکری دوم بر دوام و ماندگاری ارزش‌های سنتی به رغم وقوع تغییرات سیاسی-اقتصادی تأکید می‌کند؛ و مکتب سوم به اتخاذ رهیافت تعاملی و حضور همزمان ارزش‌های سنتی و مدرن معتقد است» (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰). آنچه که تقریباً در تمام نظریه‌های کلاسیک و معاصر نوسازی مشترک است، این ادعاست که گذر از جامعه ما قبل صنعتی به صنعتی، منجر به تغییرات اساسی در تجارب روزمره و جهان‌بینی حاکم می‌شود (بل، ۱۹۷۳؛ اسپایر، ۱۹۹۶؛ اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۳۱). جامعه مورد مطالعه، به شکل صوری از اشکال سنتی به مدرن را طی نموده، اما بیان و توصیف شکل امروزی واقعیت اجتماعی به صورتی مجزا از این نوع مبانی فکری نیاز دارد که این تحقیق در صدد آن است.

۲-۱-۲. حوزه توسعه ناهمگون و تقویت هویت قومی

با اینکه مدرنیته و در اینجا توسعه اقتصادی - اجتماعی شیوه‌های نوینی مبتنی بر عقلانیت و حسابگری را بنیان می‌نهد و از تعلقات سنتی فاصله می‌گیرد، اما امروزه از یک طرف، ابزارها و امکانات توسعه اقتصادی - اجتماعی به نوعی در خدمت تقویت و برجسته شدن هویت قومی برآمده‌اند و از طرف دیگر، گسترش انواع رسانه‌ها باعث ارتقای آگاهی بر هویت قومی جامعه مورد مطالعه (شهرستان مهاباد) شده و موجبات تقویت و تعلقات بیشتر بدان را مهیا کرده‌است و بخشی از مفاهیم استخراجی از داده‌های این تحقیق بدان اشاره دارد. به‌طور نمونه: «با وجود اینکه پوشش، مراسمات، سنن و... گُردی تضعیف شده‌اند ولی هویت قومی، حس ناسیونالیستی کردی، زبان گُردی و... تقویت شده‌است» (مرد، روستایی، لیسانس و مغازه دار، ۲۹ ساله). از نظر وی، در موارد زیادی شواهد دال بر حفظ جامعه سنتی در گُردستان شدت بیشتری نسبت به سایر نقاط ایران داشته است. یک روزنامه‌نگار با داعیه‌های روشنفکری (مرد، ساکن شهرمهاباد) می‌گوید: «آگاهی مردم از طریق رسانه‌ها و منابع در دسترس بیشتر شده‌است و با توجه به اینکه سطح تحصیلات و شهرنشینی و رسانه‌ها رشد پیدا کرده، نوعی آگاهی و اهتمام برای یادگیری زبان مادری بیشتر شده‌است» (مرد، لیسانس، ۳۲ ساله). «جهانی شدن فرهنگ» از مفاهیمی قابل ردیابی در شواهد تحقیق است

که بر اساس آن امکانات و شرایط جهانی شدن «فرصت‌هایی برای تقویت هویت قومی» ایجاد کرده‌است و کشگران مورد مطالعه در قالب فعالیت‌های مدنی، فرهنگی و ادبی به برجسته شدن تعلقات کُردی کمک می‌کنند.

مفهوم دیگری که در اغلب داده‌های مشارکت‌کنندگان قابل مشاهده است «ارتقای جایگاه کردها در منطقه» است که وقایع اخیر در کشورهای منطقه مؤید آن است و امروزه در هر چهار کشور (ترکیه، عراق، سوریه و ایران) مسئله کُرد برجسته‌تر شده‌است و به نسبت گذشته از حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار گشته‌اند. بر این اساس، فعالان سیاسی که گرایش‌ها برجسته شدن هویت کُردی دارند، با بهره‌گیری از پتانسیل‌های توسعه و ابزارهای آن توانسته‌اند جایگاه کردها را در سطح منطقه و بین‌الملل ارتقاء دهند. «ریسوار» از اهالی روستاهای مسیر سردشت (از عشیره منگور) می‌گوید: «با مُدرن شدن و پیشرفت، ارتباطات آسان و روابط تسریع شده و رفت و آمدهای مردم غیر بومی به داخل شهر و بر عکس بیشتر شده‌است، به علاوه، روابط کُردهای کشورهای همسایه نیز بیشتر شده‌است. امروزه کُردهای زیادی علی‌الخصوص از کُردستان عراق و افراد زیادی برای دید و بازدید و یا تجارت و کار به شهر ما می‌آیند» (مرد، سیکل، ۳۳ ساله).

جدول ۳. نمونه‌هایی از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آنها در حوزه توسعه. بستری برای تقویت هویت قومی

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه‌ها	مفاهیم	کد	مقولات
۱	به نظر می‌رسد با به وجود آمدن شرایط جدید جهانی توجه به مباحثی چون زبان کُردی، لباس کُردی، هنر کُردی و رقص کُردی زیاد شده‌است.	پرننگ شدن هویت قومی	۱	تقویت هویت قومی
۲	اینکه مردم در زندگی امروز رسمی‌تر از قبل برخورد کرده و لباس می‌پوشد، دلیل بر بی‌زاری از فرهنگ مردم کُرد و نادیده گرفتن نیست. به علاوه، اگر امروز برای مراسماتی چون عروسی زمان کمتری گذاشته می‌شود، به دلیل مسائل اقتصادی و اینکه مردم همانند قدیم اوقات فراغت زیادی ندارند، و مشغله‌ها زیاد شده‌است.	حفظ هویت با وجود تغییر در عناصر هویت	۱	
۳	بر اثر برنامه‌های توسعه، فرهنگ بومی شاهد اصطلاحات و واژه‌های جدیدی در زبان کُردی شده و می‌توان گفت گنجینه لغات ادیبان این زبان گسترش یافته‌است.	تقویت زبان کُردی	۱	

ادامه جدول ۳. نمونه‌هایی از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آنها در حوزه توسعه. بستری برای تقویت هویت قومی

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه‌ها	مفاهیم	کد	مقولات
۴	درست است که این تأثیرات باعث شده نوع پوشش و بسیاری از مراسمات مردم کرد کم‌رنگ‌تر شود، دلیل بر بیزاری از فرهنگ مردم کرد نیست و اگر امروز به‌جای هفت شبانه‌روز مردم برای مراسمات عروسی به چند ساعت بیشتر اکتفا نمی‌کنند، به‌دلیل مسائل اقتصادی و اینکه مردم همانند قدیم اوقات فراغت زیادی ندارند.	تغییر هویت (مراسمات) ... به‌علت اقتصادی	۱	
۵	آگاهی مردم از طریق رسانه‌ها و منابع در دسترس بیشتر شده‌است. سطح تحصیلات، شهرنشینی و استفاده از رسانه‌ها رشد پیدا کرده و نوعی آگاهی و اهتمام برای یادگیری زبان مادری بیشتر شده‌است.	ارتقای آگاهی تاریخی - قومی	۲	ارتقای آگاهی قومی
۶	در دوران معاصر با بالا رفتن تنش بین گروه‌های قومی و زبانی گرایش به عناصر هویتی کردها نیز بیشتر شده و حتی فعالیت ناسیونالیست‌ها در شهر مهاباد افزایش یافته و این مسئله از نظر مذهبی نیز رخ داده است.	تقویت ناسیونالیسم کردی	۱	
۷	بسیاری از هنرهای بومی - کردی را می‌بینیم که افتخارات کشوری و بین‌المللی به دست می‌آورند. مثلاً خیلی می‌شنویم که رقص کردی در بسیاری از فستیوال‌های بین‌المللی مقام اول را کسب می‌کند.	جهانی‌شدن فرهنگ	۴	جهانی‌شدن فرصتی برای هویت قومی
۸	در زمانه‌ای که هر روز هزاران خبر درباره مسائل منطقه و جهان می‌شنویم که چگونه ملت‌ها حقشان را می‌گیرند، این مردم هم به این فکر می‌افتند که حق و حقوق خود را بگیرند.	تمایل به کسب قدرت	۶	
۹	افراد زیادی از مهاباد در عراق و حتی ترکیه کار می‌کنند و خیلی‌ها هم برای کارهای فرهنگی و ادبی به آنجا می‌روند.	ارتباط با کردهای دیگر کشورها	۶	ارتقای جایگاه منطقه‌ای کردها
۱۰	در یک دهه اخیر، تأثیر شبکه‌ها و کانال‌های تلویزیون ماهواره‌ای کردی، شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کردستان عراق و فعالیت‌های فرهنگی آنها به تمایلات کردی دامن زده است.	فعالیت کردها در منطقه	۷	

محقق بر اساس تأکید اشتراوس، بر مبنای ارتباط پدیده‌های مشابه، «مقوله‌پردازی» داده‌ها را صورت داده، البته در این مرحله هر نوع رابطه ارائه شده باید موقتی و آزمایشی تلقی شود و نامی را که در این مرحله برای مقوله‌ها انتخاب می‌کنیم، باید انتزاعی‌تر از اسامی و مفاهیمی باشد که مجموعه آنها مقوله را تشکیل می‌دهند (اشتراوس و کورین، ۱۳۸۵: ۶۵). بدین گونه با مراجعه مجدد و پیگیری سؤالات تحقیق برخی از مقولات مبهم و ناهمخوان و

گاهاً متضاد را شفاف‌سازی یا حذف کرده تا به مقوله یا مقولات عمده و در نهایت مقوله هسته‌ای تحقیق نزدیکتر شویم.

جدول ۴. مقولات عمده استخراج شده به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی، پیامدی

ردیف	حوزه مورد مطالعه	مقولات جزء	مقولات عمده	نوع مقوله (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)
۱	تضعیف عناصر هویت قومی	جهانی شدن هویت قومی (غلبه هویت غربی و تضعیف هویت قومی)	تضعیف عناصر هویت قومی	زمینه‌ای
		بیگانگی از فرهنگ قومی و غلبه هویت غربی		پیامدی
		کمرنگ شدن سبک زندگی قومی (غربی شدن)		پیامدی
		ناآگاهی نسبت به هویت قومی		پیامدی
		کم اهمیت شدن بنیان‌های خانواده		زمینه‌ای
		تضعیف اقتصاد قومی		تعاملی
		تضعیف زبان قومی		پیامدی
۵	تقویت هویت قومی	تقویت عناصر (زبان و...) هویت قومی	توسعه بستری برای تقویت	پیامدی
		ارتقای آگاهی قومی		پیامدی
		جهانی شدن و فرصت برای هویت قومی		زمینه‌ای
		ارتقای جایگاه کردها در منطقه		زمینه‌ای

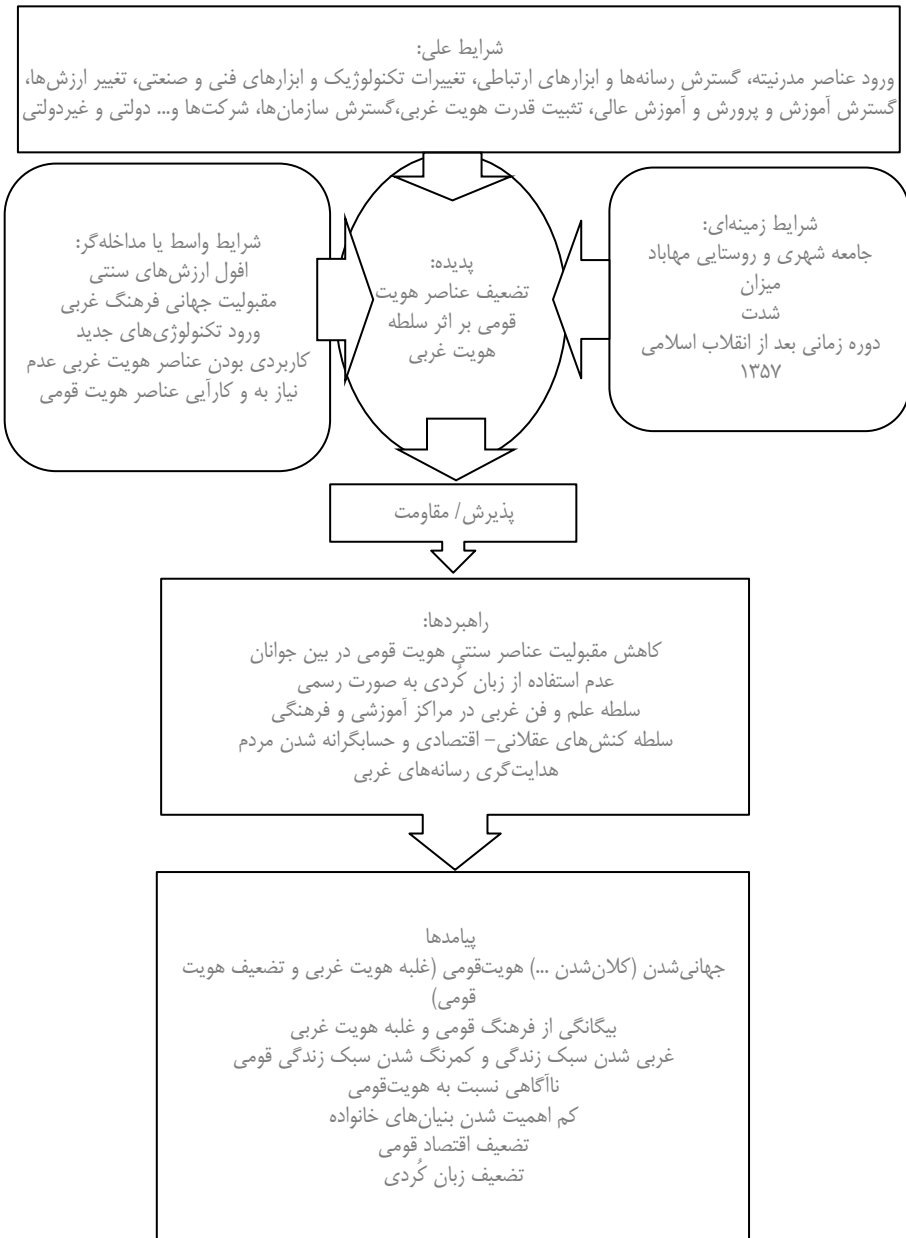
جدول ۵. مربوط به حوزه‌های تحقیق و مقولات آنها

مقولات	حوزه مورد بررسی
۱. جهانی شدن هویت قومی و غلبه هویت غربی و تضعیف هویت قومی	عناصر هویت قومی (۱)
۲. بیگانگی از فرهنگ قومی و غلبه هویت غربی	
۳. کمرنگ شدن سبک زندگی قومی (غربی شدن)	
۴. ناآگاهی نسبت به هویت قومی	
۵. کم اهمیت شدن بنیان‌های خانواده	
۶. تضعیف اقتصاد قومی	
تضعیف زبان قومی	
۱. تقویت عناصر (زبان، پوشش، هنر و ...) هویت قومی	تقویت هویت قومی (۲)
۲. ارتقای آگاهی قومی	
۳. جهانی شدن و افزایش فرصت برای هویت قومی	
۴. ارتقای جایگاه کردها در منطقه	

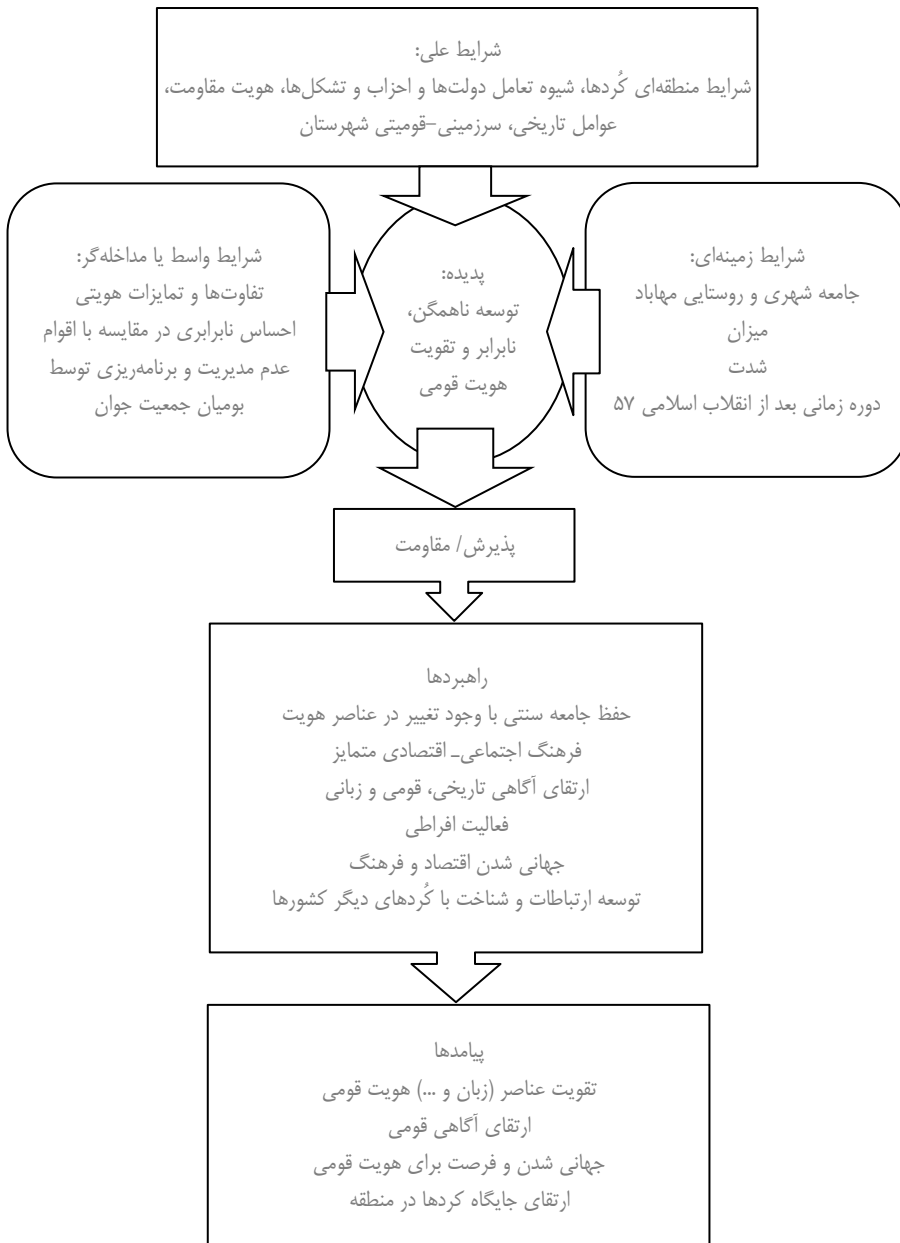
۲-۲. فرایند ساخت مقولات اصلی و فرعی (کدگذاری محوری)

ماهیت کدگذاری محوری در واقع مشخص کردن یک مقوله، شرایطی که به بروز آن مقوله می‌انجامد، زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده‌است، راهبردهای کنترل و نظارت بر آن مقوله و پیامدهای آن راهبردهاست (اشتروس، کوربین، ۱۳۸۵: ۹۸). «در این مرحله، دو استراتژی (سؤال کردن) و «مقایسه کردن» را به‌طور منظم مورد استفاده قرار داده‌ایم. مجموعه‌ای از مفاهیم، مقولات، خصیصه‌ها و زیرمقولات، خروجی مرحله کدگذاری بازاست. ارتباط میان هر مقوله با زیرمقوله‌هایش (نه ارتباط میان مقوله‌ها) در مرحله کدگذاری محوری صورت می‌گیرد» (ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳). الگوی پارادایم، سلسله روابطی است که میان زیرمقوله‌ها و مقوله اصلی برقرار می‌شود. شرایط علی: مجموعه شرایطی است که سبب پیدایش پدیده می‌شود. پدیده یا مقوله محوری: ایده، حادثه یا رخدادی است که مفاهیم و مقوله‌ها بر محور آن ایجاد می‌شوند. زمینه یا شرایط مداخله‌گر: نشان‌دهنده شرایط ویژه‌ای است که پدیده در آن قرار دارد. زمینه شامل خصایص مقوله (پدیده) نیز می‌شود. شرایط میانجی: زمینه ساختاری گسترده‌ای است که پدیده (مقوله) در آن رخ می‌دهد و بر چگونگی واکنش نشان دادن به آن، یا پیامدهای آن مؤثر است. راهبردهای کنش: در یک زمینه و با شرایط میانجی مشخص، مجموعه مشخصی از راهبردها یا اقدامات امکان‌پذیر می‌شود. پیامدها: هر کنش و اقدامی، پیامدهایی دارد» (همان: ۹۷). در این مرحله، مدل‌های پارادایمی حوزه‌های مورد مطالعه بیان می‌شود:

-
1. Causal Conditions
 2. Core Category
 3. Intervening Conditions
 4. Context Conditions
 5. Strategies
 6. Consequences



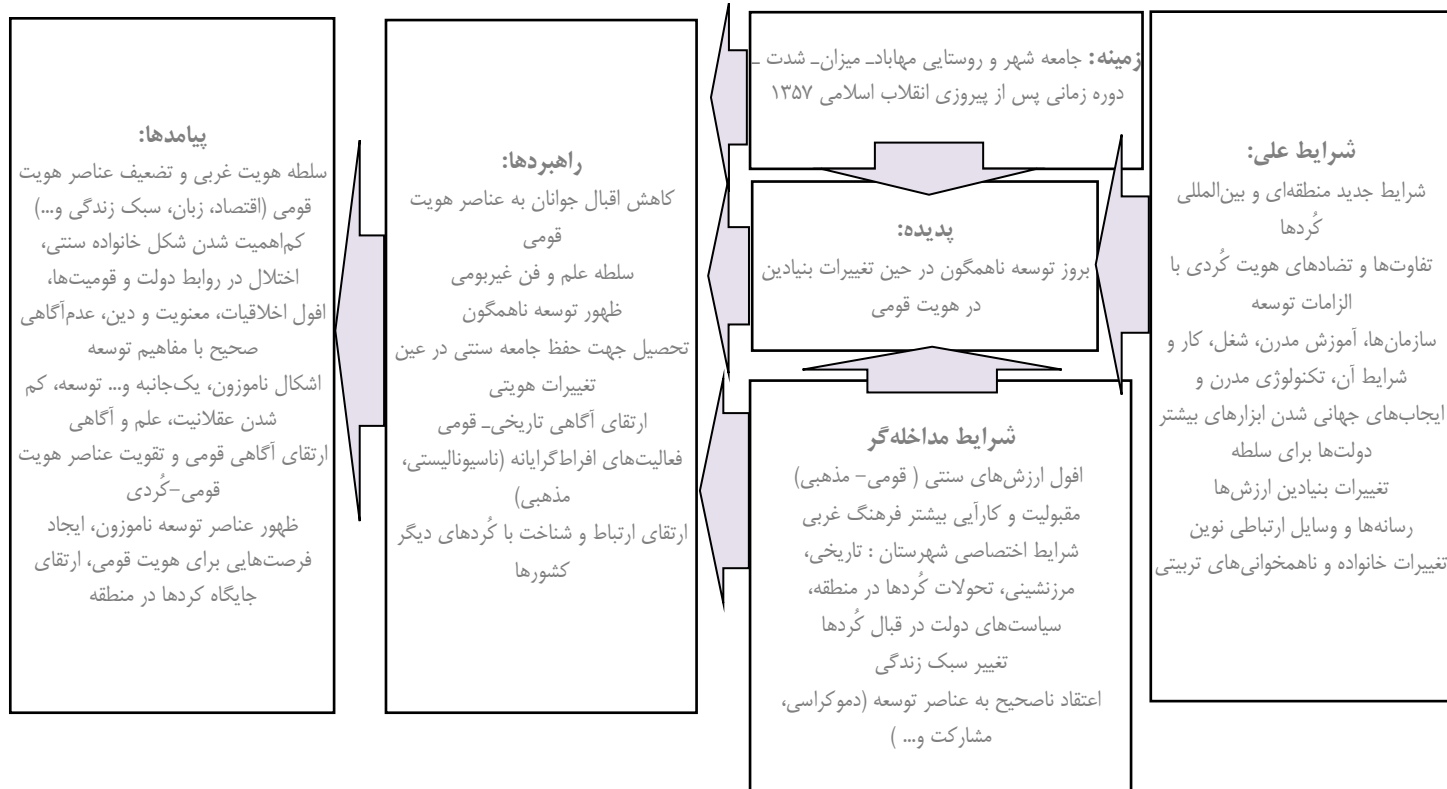
نمودار ۱. مدل پارادایمی مربوط به تضعیف عناصر هویت قومی بر اثر سلطه هویت غربی



نمودار ۲. مدل پارادایمی مربوط به توسعه ناهمگن و تقویت هویت قومی

۲-۳. فرایند ساخت و ارائه نظریه زمینه‌ای (کدگذاری انتخابی)

«در آخرین مرحله از کدگذاری، یعنی کدگذاری انتخابی، از میان مقوله‌ها، مقوله محوری انتخاب و حول آن نظریه‌ای برآمده از دل تحقیق ارائه می‌شود. نظریه به وجودآمده از دل داده‌ها، حول مقوله محوری، به صورت مدل تصویری و داستان ارائه می‌شود. داستان: «روایتی توصیفی درباره پدیده اصلی تحقیق است» (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۱۱۸). «در این موقع یادداشت‌ها و نمودارها مانند یک آینه پیچیدگی و عمق تفکری را که باعث پدیدار شدن نظریه می‌شود نشان می‌دهند» (کوربین و اشتراوس، ۱۳۸۵: ۲۱۷). پس از روایت داستان و کشف مقوله مرکزی، مقوله‌های فرعی باید طبق مدل پارادایمی، به مقوله مرکزی تحقیق مرتبط شوند. با استفاده از داستان به عنوان راهنما، محقق می‌تواند کار مرتب کردن و دوباره مرتب کردن مقوله‌های پارادایم را تا موقعی که به نظر برسد با داستان منطبق است، شروع کند و شرحی تحلیلی از داستان ارائه دهد. در غیر این صورت، مقوله‌ها فقط به صورت فهرستی از یادداشت‌ها باقی می‌مانند.



نمودار ۳. مدل نهایی پارادایمی تأثیر توسعه بر هویت قومی

۲-۳-۱. توصیف اجزای مدل نهایی تحقیق

تشریح هر یک از مقوله‌های فرعی در مدل پارادایمی نهایی (شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) در زیر می‌آید:

۲-۳-۱-۱. شرایط علی مربوط به مقوله مرکزی

بدین گونه و بر اساس نمودار شماره (۳)، بسیاری از عناصر هویت قومی بر اثر عناصر ورودی توسعه تغییر کرده است و از علل تأثیرات توسعه بر هویت در جامعه مورد مطالعه «تغییرات بنیادین» را می‌توان اشاره کرد که جوانب ارزشی هویت قومی به خود دیده‌است و ماحصل آن، بروز بحران‌های متعددی است که «خودباختگی فرهنگی» از جمله مهم‌ترین آنهاست. پدیده‌ها و مسائل عدیده‌ای همچون «کمرنگ شدن دینداری»، «ازدیاد افراطی‌گری دینی و ناسیونالیستی» و... از جمله پیامدهای آن است که ریشه در عواملی چون «ضعف نخبگان» و «ضعف روحانیون محلی» دارد و توسط «رسانه‌ها و وسایل ارتباطی نوین» هدایت می‌شود؛ در باب «تغییرات خانواده و ناهمخوانی تربیتی» ایجاد شده نیز شاهد «عدم انطباق خانواده با شرایط جدید» و... هستیم.

۲-۳-۱-۲. زمینه

جامعه مورد مطالعه از نظر جغرافیایی در جنوب استان آذربایجان غربی واقع شده و تحت نام شهرستان مهاباد عمدتاً از مردمانی کُردنشین تشکیل شده است. شهر مهاباد از گذشته واجد مرکزیت اداری و فرهنگی بوده و در جنوب استان آذربایجان غربی و شمال استان کُردستان قرار دارد. شکل‌گیری دیرینه سازمان‌های فرهنگی همچون صداوسیما، و وقایع سیاسی، فرهنگی و تاریخی متعدد در کنار وجود پروژه‌های صنعتی و طرح‌های اقتصادی از گذشته چهره‌ای نسبتاً متمایز با شهرهای همجوار بدان داده‌است.^۱ به علاوه، واقع شدن آن در محدوده مرزی سه کشور ایران، عراق و ترکیه، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاسی، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را موجب شده‌است.

۱. از جمله: مراکز تولیدی مانند سد مخزنی، شرکت کشت و صنعت و چندین طرح صنعتی-تولیدی کشاورزی و دامداری و... و اخیراً شرکت پتروشیمی مهاباد را می‌توان نام برد.

۳-۳-۱-۳. پدیده: بروز توسعه ناهمگون در حین تغییرات بنیادین در هویت قومی

مقوله هسته‌ای^۱، زمینه‌ساز ارائه نظریه «توسعه نامتوازن، نابرابر و شکل نوین هویت قومی» شده است، لذا با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان شاهد وقوع پدیده «دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی» بود که در این تحقیق با عنوان توسعه مشخص شده، تغییرات اساسی را بر شاخصه‌های هویت قومی ایجاد کرده است و موجب فضای اجتماعی، زیستی و فرهنگی نوینی شده که قرین بحران‌هایی در عرصه‌های هویت قومی است و همزمان شاهد تقویت مشخصه‌های هویت قومی به خصوص در اشکال فرهنگی - اجتماعی هستیم.

۳-۳-۱-۴. شرایط مداخله‌گر کنش

این شرایط «در واقع بستر و مبنای پذیرش یا عدم پذیرش یک یا چند عامل تغییر هستند» (طالب، ۱۳۸۴: ۶۵) که در این تحقیق شامل موارد زیر است: انگاره غالب بر اذهان کنشگران اجتماعی «افول ارزش‌های سنتی» و «اهمیت ارزش‌های غربی» که ریشه آن در «کارآیی بیشتر عناصر هویت غالب»، «ورود تکنولوژی‌های جذاب»، «هدایت‌گری رسانه‌ها» و «کم‌توجهی به احکام مذهبی» بیان شده است. به علاوه «اعتقاد ناصحیح به مفاهیمی همچون: دموکراسی، مشارکت و...» و وجود منازعه در بین روشنفکران، کنشگران و فعالان مدنی محلی در کنار اتفاقات تاریخی - سیاسی، اقتضانات مرزنشینی، تحولات گردها در کشورهای منطقه و وجود تفاوت‌های هویتی با جوامع مجاور در این زمینه نقش‌آفرینی کرده‌اند.

۳-۳-۱-۵. راهبردهای تعاملی کنش

نوعی دوگانگی راهبردهای کنشی در ارتباط با تأثیر توسعه بر هویت قومی (تقویتی - تضعیفی) از نتایج داده‌ها استخراج می‌شود؛ بدین گونه «بحران هویت قومی»، «افول اخلاقیات و معنویت»، «بحران در خانواده و روابط اجتماعی» و «مهاجرت بی‌رویه و حاشیه‌نشینی» مشهود است. وضعیت دوگانه کنشی راهبرد کنشگران در مواجهه با شرایط

۱. اشتروس معیارهای زیر را برای تعیین مقوله هسته‌ای بیان می‌کند: الف) مرکزیت یک مقوله نسبت به مقولات دیگر. ب) فراوانی وقوع آن مقوله در داده‌ها. پ) جامعیت و سهولت ربط آن به سایر مقوله‌ها؛ ت) روشنی دلالت‌های آن برای یک نظریه عامتر؛ ث) حرکت آن به سمت قدرت نظریه‌ها هنگامی که جزئیات مقوله آشکار می‌شود؛ ج) اجازه برای حداکثر تنوع برحسب ابعاد، ویژگی‌ها، شرایط، پیامدها و استراتژی‌ها (از کیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

جدید است و در اغلب حوزه‌های اجتماعی در عین حال که «مقبولیت برخی عناصر هویت قومی در بین جوانان» کاهش یافته، همان عناصر و یا حوزه‌های دیگر هویت قومی به اشکال نوین و یا تغییراتی متناسب با شرایط اجتماعی تداوم پیدا کرده است.^۱ در عین حال عناصر هویت غربی با اقبال مواجه شده‌اند.^۲

۲-۳-۱-۶. پیامدهای به کارگیری راهبردها

هر یک از راهبردها، پیامدهای مربوط به خود را در پی دارد. به‌عنوان مثال، اتخاذ راهبرد «کم شدن زمان انجام مراسمات» منجر به کاهش ارتباطات اجتماعی و در نتیجه پایین آمدن اعتماد اجتماعی و در نهایت کاهش سرمایه اجتماعی شده است. همچنین نگرش‌ها و کنش‌های مادی‌نگرانه مبتنی بر فرهنگ سرمایه‌داری غربی به گونه‌ای ارکان زندگی افراد مورد مطالعه را در بر گرفته است که جایگزین فرهنگ سنتی در این زمینه شده است و در حالت کلی نیازهای مادی سیری‌ناپذیر، چشم‌هم‌چشمی، مصرف‌گرایی، رفاه‌جویی و تن‌پروری از خصوصیات جامعه مورد مطالعه بیان شده است. بدین گونه در ارتباط با پدیده محوری، از سویی جامعه مورد مطالعه واجد تفاوت‌هایی مبتنی بر پیامدهای توسعه اقتصادی - اجتماعی شده و از سوی دیگر، پیامدهایی در زمینه ایجاد بحران‌های هویتی در پی داشته است.

با بهره‌گیری از رسانه‌های مجازی و امکانات شبکه‌ای آن «جهانی شدن هویتی» و تغییرات متناسب هویت قومی - گردی در حال وقوع است؛ هر چند این تغییرات کنشگران را با نوعی «بیگانگی از فرهنگ قومی» یا «غلبه هویت غربی» مواجه کرده است و مواردی همچون «تضعیف اقتصاد قومی»، «تضعیف زبان قومی»، «غربی شدن سبک زندگی» یا «کمرنگ شدن سبک زندگی قومی - گردی»، «کم اهمیت شدن توجه به بنیان‌های خانواده» و «اختلال در روابط دولت و قومیت‌ها» را در پی داشته است.^۳

۱. به‌طور مثال، از «زبان گردی» کمتر بهره گرفته می‌شود.
۲. از آن جمله، عرصه‌های اقتصادی «عقلانی و حسابگرانه» تر شده‌اند و به نوعی «ارجحیت ارزشی هویت غربی» مشهود است.
۳. برخی از پیامدهای دیگر این گونه‌اند: «بحران در خانواده»، «کاهش روابط اجتماعی»، «مهاجرت بی‌رویه»، «ناآگاهی به دموکراسی»، «نبود ظرفیت و توانمندی استفاده از امکانات توسعه»، «سبک زندگی نامتناسب یا متعارض با توسعه» ... و در همان حال: «عمران و آبادانی»، «تکثر منابع اشتغال و درآمد»، «گسترش رسانه‌ها و حمل و نقل»، «حضور اجتماعی زنان»، «تقویت عناصر هویت قومی (زبان، پوشاک، صنایع دستی و... گردی)» و...

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شهرستان مهاباد نیز مانند سایر شهرهای ایران از دهه ۱۳۰۰ به بعد در چهره شهر به معنای امروزی آن ظاهر و روابط اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری در آن گسترش یافت. پس از اصلاحات ارضی و با گذر از شهرنشینی سنتی، توسعه این شهر مستقل از مازاد روستایی صورت گرفت (حسامیان و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۱). می‌توان اذعان داشت که برنامه‌های توسعه و مدرنیزاسیون با کش و قوس‌هایی در جریان بوده^۱ و ارکان اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه را متحول و منابع هویت‌یابی را با تغییرات جدی همراه کرده است^۲.

از مهم‌ترین عرصه‌های مورد توجه در بررسی تأثیرات توسعه بر هویت قومی (کُردی)، بروز نتایج متقابل (مبنی بر تقویت هویت قومی از جانبی و تضعیف آن از جانب دیگر) از داده‌های مشارکت‌کنندگان است که بر اساس آن در حین بروز روبنایی عناصر توسعه در جامعه مورد مطالعه، عناصر هویت سنتی (کُردی) نیز به حیات خود ادامه داده و به‌رغم پیش‌پنداشته‌ها، هویت قومی با بهره از شرایط، زمینه‌ها و امکانات توسعه تقویت شده است. لذا براساس مفاهیم، مقوله‌ها، شرایط علی، مداخله‌گر و راهبردهای دسته‌بندی شده از داده‌های مشارکت‌کنندگان این تحقیق، پیامدهای کنشی مطابق نمودار (۴) شکل گرفته است:

۱. به تدریج صنایع دستی و سایر تولیدات و هنرهای مردمی نابود شده‌اند.
۲. این برنامه‌ها از دوره صفویه شروع شد و اصلاحات تا دوره قاجاریه به تأخیر افتاد و در دوره رضاشاه به صورت منسجم و جدی آغاز و در دوره محمدرضاشاه پی گرفته شد. در دوره جمهوری اسلامی نیز با موارد زیر همراه شد: دولتی کردن اقتصاد؛ وقوع جنگ تحمیلی؛ خارج شدن بخشی از سرمایه‌های خصوصی و نیروی انسانی متخصص؛ و تحریم‌های اقتصادی.
۳. تغییراتی که به تبع رشد جهانی سرمایه‌داری و ناسیونالیسم و دولت-ملت‌ها، جوانب فرهنگی و سیاسی و اجتماعی شهرستان مهاباد را در نوردیده و اوج آن طی سال‌های ۲۴-۱۳۲۰ فدرالیسم خواهی، هویت‌طلبی و تشکیل حکومت را در پی داشته است (جلایی‌پور، ۱۳۸۵: ۸۳؛ کوچرا، ۱۳۷۳: ۲۲۰؛ صمدی، ۱۳۷۳: ۱۵۱ و بلو، ۱۳۷۹: ۵۵).

- نظریه توسعه نامتوازن،
نابرابر و شکل نوین هویت
قومی (کردی)
- سلطه هویت غربی و تضعیف هویت قومی (اقتصاد، زبان، دین، سبک زندگی و ...)
 - کم اهمیت شدن بنیان‌های خانواده
 - ظهور عناصر مدرنیته: عمرانی، اقتصادی، تکنولوژی، رسانه، زنان و ...
 - عدم آگاهی صحیح از مفاهیم مدرنیته چون دموکراسی و ...
 - اشکال ناقص توسعه
 - کم شدن عقلانیت، علم و آگاهی
 - ارتقای آگاهی قومی
 - ایجاد فرصت‌های نوین برای هویت قومی
 - ارتقای جایگاه کردها در منطقه

نمودار ۴. مؤلفه‌های زمینه‌ساز نظریه زمینه‌ای تحقیق

و در نهایت پدیده اصلی تحقیق یعنی «بروز ظاهری عناصر توسعه در حین تغییرات بنیادین در هویت قومی» و یافته نظری یعنی «نظریه توسعه نامتوازن، نابرابر و شکل نوین هویت قومی - کردی» متجلی شده است.

بدین گونه می‌توان گفت که توجه به بایسته‌های محلی، منطقه‌ای و بومی برای نیل به توسعه ضروری است و فرهنگ اجتماعی، هویت قومی، ساختار جمعیتی جامعه مورد مطالعه بروز متفاوت توسعه را در شهرستان مهاباد رقم زده است. مردم این شهرستان با تمسک به تمایزات و تفاوت‌های هویتی - فرهنگی (زبان، دین، تاریخ و...) به راهبردهای متفاوتی از تعامل با عناصر توسعه مبادرت کرده‌اند و بروز وضعیت دوگانه (تقویت و تضعیف) عناصر هویت قومی (زبان، پوشاک، خوراک و...) از نشانه‌های آن است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اردکانی داوری، رضا (۱۳۷۶). پرسش غرب، مجله فرهنگ، ۱۳۷۶ زمستان. شماره ۲۴.
۲. احمدرش، رشید (۱۳۹۱). سنت و مدرنیته در کردستان (مطالعه جامعه‌شناختی از ورود عناصر مدرنیته به موکریان)، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۳. ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه مبنایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: کیهان.
۴. اشتروس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. بلو، ژویس (۱۳۷۹). بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی مسئله کرد، ترجمه پرویز امینی. تهران: نشر شالوده.
۶. جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). فراز و فرود جنبش کردی ۱۳۶۷-۱۳۵۷، تهران: لوح فکر.
۷. حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۸۳). شهرنشینی در ایران، تهران: نشر آگاه.
۸. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). نظریه و پژوهش در روش‌های کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۷.
۹. صمدی، سیدمحمد (۱۳۷۳). مهاباد: انتشارات رهرو مهاباد.
۱۰. طالب، مهدی و موسی عنبری (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. عبدالهی، عادل (۱۳۹۲). مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی جهان - محلی شدن و پیامدهای آن بر روی هویت قومی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منطقه هورامان تخت)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۲. فلیک، اوه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن روحانیان. جلد اول، ظهور جامعه‌شناسی، چاپ پنجم، تهران: طرح نو.
۱۴. کوچرا، کریس (۱۳۷۳). جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر آگاه.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
۱۸. محمدپور، احمد، مهدی رضایی، لطیف پرتویی و رسول صادقی (۱۳۸۷). سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تغییرات خانواده در میان ایلات منگور و گورک شهرستان مهاباد، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۱۹. محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۷). درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه

۲۰. اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای، مجله جامعه‌شناسی ایران، (۱) ۹.
۲۰. هراتی، محمدجواد (۱۳۸۸). تأملی در تأثیر توسعه بر هویت فرهنگی، راهبرد توسعه، شماره ۱۹.
۲۱. هوسرل، ادموند (۱۳۸۲). فلسفه و بحران غرب، ترجمه رضا داوری و دیگران، تهران: هرمس.

ب) منابع لاتین

1. Alan, Carter, (1999). "The Nation-State and Underdevelopment", Third World Quarterly, Vol 15, Issue 4.
2. Bell, Daniel (1973). The Coming of Postindustrial Society. New York: Basic Books.
3. Castells, M. (2011). The power of identity: The information age: Economy, society and culture, Vol. 2, John Wiley & Sons.
4. Constantino, R. (1985). Synthetic Culture and Development. Quezon City Philippines: Foundation for Nationalist Studies.
5. Escobar, A. (1992). Reflections on Development: Grassroots Approaches and Alternative Politics in the Third World', Futures 24 (5).
6. Escobar, A. (1995). Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World. Princeton, NJ: Princeton University Press.
7. Featherstone, M. (1990). Global culture: Nationalism, globalization and modernity (Vol. 2). Sage.
8. Ferguson, J. (1990) The Anti-Politics Machine: 'Development', Depoliticisation and Gibson-Graham J. K. , 2010, Regional Development , in Pike, A. , Rodriguez-Pose, A. , Tomaney, J., (eds) Handbook of Local and Regional Development London: Routledge.
9. Giddens, A. (1990). The Consequences of Modernity Cambridge. Polity, 53 (83).
10. Giddens, A. (1993). Sociology, 5ed Edition, Wiley. com.
11. Inglehart, Ronald, Welzel, Christian. (2005) "Modernization, Cultural Change and Democracy", Cambridge University Press.
12. Inglehart, Ronald and Baker, Wayne (2000). Modernization, cultural change and the persistence of traditional values. American sociological review, vol 65.
13. Khondker, H. H. (2004). Globalization as glocalization: Evolution of a sociological concept. Bangladesh EJournal of Sociology, 1 (2).
14. Khondker, H. H. (2005). Globalisation to glocalisation: A conceptual exploration. Intellectual Discourse, 13 (2).
15. Kothari, R. (1988). Rethinking Development: In Search of Humane Alternatives. Delhi: Ajanta.
16. Moles, David, (1999), "Dependencia and Modernization", in: [https://www.coursehero.com/file/p7bqdeg/ Moles-David-Dependencia-and-Modernization-1999-1-9-Oldchrononautorg-Web-26-Nov](https://www.coursehero.com/file/p7bqdeg/Moles-David-Dependencia-and-Modernization-1999-1-9-Oldchrononautorg-Web-26-Nov).

17. Norris, Pippa and Ronald Inglehart. (2004). *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*. Cambridge: Cambridge University Press.
18. O'Connor, M & Arnoux, R. (1993). Translators' introduction, in: S Latouche, *In the Wake of Affluent Society: An Exploration of Post-Development* (London: Zed Books).
19. Rahnema, M , (1997). Towards post-development: searching for signposts, a new language and new paradigms, in M Rahnema & V Bawntree (eds) , *The Post-Development Reader* (Cape Town: David Philip).
20. Rapley, J. (2004). 'Development Studies and the Post-Development Critique', *Progress in Development Studies* 4 (4).
21. Roudometof, V. (2003). Glocalization, Space, and Modernity 1. *The European Legacy*, 8 (1). See in doi: 10. 1080/1084877032000066297.
22. Roudometof, V. (2005). Transnationalism, cosmopolitanism and glocalization. *Current Sociology*, 53 (1).
23. Robertson, R. , & Lechner, F. (1985). Modernization, globalization and the problem of culture in world-systems theory. *Theory, Culture & Society*, 2 (3).
24. Seabrook, J. (1994). *Victims of Development, Resistance and Alternatives*. London: Verso.
25. Rist, G. (1990). Development as the new religion of the West, *Quid Pro Quo* 1;2.
26. Sachs, W. (1992). *The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*. London: Zed.
27. Strauss, A. , & Corbin, J. M. (1998). *Grounded theory in practice*. SAGE Publications, Incorporated